

## تبیین سازگارترین الگو از تشکیک وجود صدرایی با مبانی معرفتی ملاصدرا بر اساس نظریه داده بنیاد

زهرة زارعی<sup>۱</sup>  
قدرت الله قربانی<sup>۲</sup>  
رسول رسولی پور<sup>۳</sup>  
محمد سعیدی مهر<sup>۴</sup>

### چکیده

تشکیک وجود به عنوان یکی از اصول مبنایی متافیزیک صدرایی در تنقیح و تبیین ساختار حکمت متعالیه نقش بسزایی داشته و لوازم و نتایجی را در حوزه وجود شناسی و معرفت شناسی به بار می آورد. با توجه به اینکه تلقی های متفاوتی از تشکیک در حکمت متعالیه موجود است و الگوهای تصویری متفاوتی از آن قابل ترسیم است که در صورت انتساب هر یک از آن ها به ملاصدرا، دیدگاه های معرفت شناختی وی تحت تاثیر قرار می گیرد، هدف از نوشتار حاضر که ماهیت بنیادی دارد، تبیین سازگارترین الگو از تشکیک وجود صدرایی با مبانی معرفتی او بر پایه روش گرنند تئوری است.

روش شناسی حاکم بر متن، ماهیت توصیفی-تحلیلی دارد و ضمن استفاده از اسناد و منابع کتابخانه ای و مصاحبه با چند کارشناس خبره، عوامل زمینه ای، علی، مداخله گر و پیامدهای معرفتی دو الگو طرح و بررسی شد. نمونه ها از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب شده و اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش گرنند تئوری کدگذاری و تجزیه و تحلیل شده اند. یافته های پژوهش نشان داد که الگوی تشکیک در مراتب و الگوی تشکیک در مظاهر، ضمن تفاوت هایی در عوامل زمینه ای، علی و مداخله گر، لوازم و نتایج معرفتی یکسانی دارند.

**کلید واژه ها:** تشکیک وجود، لوازم معرفتی، مبانی معرفت شناختی، گرنند تئوری، تشکیک در مراتب، تشکیک در مظاهر

۱. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه خوارزمی تهران. zareizarei75@yahoo.com
۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی تهران. (نویسنده مسئول). qodratullahqorbani@khu.ac.ir
۳. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی تهران. rasouli@khu.ac.ir
۴. استاد گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران. saeedi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۶

### ۱. مقدمه

با وجود اینکه، عبارات بوعلی سینا که در الهیات شفا تفاوت به تقدم و تأخر، بی نیازی و نیاز و وجوب و امکان را در وجود پذیرفته است (نک: ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ۲۷۶) و در المباحثات اختلاف به تأکد و تضعف را در وجود مطرح می کند (نک: ابن سینا، ۱۳۷۱، ۴۱)، یا بیانات سهروردی در التلویحات (نک: سهروردی، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ۱۷) و اللمحات (نک: سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۴، ۱۴۶) که وجود را بر واجب و ماسوای او اعم از جواهر و اعراض به تشکیک حمل می کند، ظهور در تشکیک مفهومی وجود دارند، ولی تشکیک در وجود به معنای تشکیک در حقیقت خارجی وجود، ارمغان حکمت متعالیه صدرایی شناخته شده است.

پیش از صدرا در نسخه های دیگر تشکیک، یعنی تشکیک در ذاتی اشراقیون یا تشکیک در عرضی مشائیون، واقعیت از آن جهت که مصداق مفهومی ذاتی یا عرضی بود، متفاوت و کامل و ناقص می شد و مشکک بود. اما صدرا هم نقدهای مشاء بر تشکیک در ذاتی را پذیرفت و تشکیک در ماهیت را رد کرد (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ۲۱؛ شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۵-۱۳۴؛ شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۳۳۵)، و هم ضمن نقد دلایل مشائیان در نفی کثرت تشکیکی در ماهیات و نقض آن به وسیله عارض، نقدهای شیخ اشراق بر تشکیک در عرضی را تایید کرد (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۴۳۰-۴۲۸؛ شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۵).

به عقیده صدرا، تشکیک حقیقی فلسفی ربطی به مفاهیم و ماهیات ندارد و از آن حقیقت عینی وجود است. بلکه تشکیک در وجود، از آن جهت که واقعیت است، می باشد (نک: شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۵). به تعبیر برخی (نک: عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ۱۵۲)، در این نحو از تشکیک، واقعیت خارجی بما هی هی، متفاضل و مشکک است.

شاید بتوان ابتدایی ترین عبارت صدرا در تشکیک و نقطه عزیمت وی از دیدگاه های مشایی و اشراقی را در رسائل فلسفی وی پی گرفت، آنجا که می گوید: «معانی کلی شدت و ضعف را نمی پذیرند... خواه ذاتیات شیء باشند یا عوارض آن و وجود ذاتاً از لحاظ کمال و نقص متفاوت می شود» (شیرازی، ۱۳۷۵، ۳۰۷).

با این حال، توجه به این نکته لازم است که ملاصدرا تبیین منسجمی از تشکیک وجود ندارد، بلکه بحث تشکیک را در چند جا مطرح می کند. گاهی ذیل بحث اشتراک معنوی وجود، هم چون حکمای قبلی مفهوم وجود مشترک را محمول به تشکیک دانسته است (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۳۷-۳۵؛ شیرازی، بی تا، ۲۴ و ۲۷)، و گاهی در بحث از حقیقت وجود، که آن را دارای مراتب مشکک و متفاوت از لحاظ شدت و ضعف یا کمال و نقص می داند (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ۲۲-۱۹؛ شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۶-۱۳۵؛ شیرازی، بی تا، ۸۲)

و شدت و ضعف در کیفیات و کمال و نقص در کمیات (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۴، ۲۲) را به اختلاف حال وجوداتشان برمی گرداند. گاهی نیز، با نفی ثنویت و نقد تقسیم وجود به واجب و ممکن، وجود را یک حقیقت واحد شخصی در نظر می گیرد که ماسوای او، تعینات، تطورات، تنزلات، ظهورات و شئونات اویند (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۷۱؛ شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲، ۳۰۵؛ شیرازی، ۱۳۶۳، ۵۴-۵۳)، که این طرح تشکیک در مظاهر وجود است.

بدین ترتیب، چون صدرا از همه اقسام و انحای تشکیک سخن گفته است، تشکیک وجود صدرایی تنها به یک صورت تقریر نشده است، بلکه فحص و بحث در ارجاعات و استناداتی که از بخش های مختلف اسفار اربعه و دیگر آثار ملاصدرا قابل دستیابی است، تلقی های متفاوتی را از تشکیک باز می نمایاند که به جز وحدت سنخی و وحدت شخصی، برخی دیگر از آن ها هنوز به وضوح ساخته و پرداخته نشده اند. نیز، نوصدرایی ها درباره اینکه کدام یک از دو الگوی وحدت سنخی یا وحدت شخصی نظر نهایی صدراست، بلکه درباره نسبت میان دو الگو، به دیدگاه جامعی نرسیده اند و هر کدام به فراخور شواهد و استناداتی از آثار ملاصدرا، دیدگاه متفاوتی اتخاذ کرده اند.

بر بنیاد چنین زمینه ای در تشکیک وجود صدرایی و لزوم داشتن نگرشی جامع تر درباره الگوی مد نظر ملاصدرا، در نوشتار حاضر بر آن هستیم که از دیدگاه سیستمی و جامع، بلکه بر مبنای روش گرند تئوری، ضمن شناسایی، کدگذاری و تبیین عوامل زمینه ای، علی، مداخله گر و پیامدهای معرفتی الگوهای وحدت سنخی و وحدت شخصی وجود، به تحلیل دیدگاه های نوصدرایی درباره نسبت آن دو الگو، پرداخته و سرانجام براساس یافته ها، مدل مفهومی مناسب ترین الگو با مبانی معرفتی ملاصدرا را طراحی و معرفی نماییم.

## ۲. بنیادهای نظری پژوهش

### ۲-۱. الگوها

الگوهای شناخته شده از تشکیک وجود در فلسفه صدرایی به قرار ذیل است:

#### ۲-۱-۱. الگوی اول: وحدت سنخی (تشکیک در مراتب وجود)

الگوی وحدت سنخی تشکیکی یا همان وحدت تشکیکی وجود، به عنوان الگوی ابتدایی تعلیمی، بلکه الگوی فلسفی تشکیک در حکمت متعالیه شناخته شده است. اگرچه این الگو در مقابل الگوی تشکیک عامی مشایی و تشکیک خاصی اشراقی، تشکیک الأخصی به شمار می رود و در آن ما فیہ التشکیک، مابیه الاشتراک و مابیه الامتیاز واحد، بلکه خود وجود است، اما در برخی مواضع (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۶۴) آن را در زمره تشکیک خاصی یا اتفافی به شمار آورده اند. توضیح اینکه در این الگو از تشکیک، وجود یک حقیقت نوعی واحد، مشکک و دارای مراتب شدت و ضعف است. بدین معنا که در این تصویر، وحدت نوعی یا سنخی

وجود بر کثرت عددی افراد بار می‌شود، یعنی واقعاً وجودات متعدد متکثر داریم و شدت و ضعف در مصادیق هست. اگرچه این نسخه به فهلوپیان که حکمای ایران باستان بودند، نسبت داده شده است، با این حال، صدرا در ضمن تفریعی بر اشراق سوم از شاهد اول الشواهدالربوبیه (نک: شیرازی، ۱۳۶۰، ۷)، مسلک حکمای مشا در تشکیک مفهوم وجود را نیز، به مسلک حکمای فهلوی برگردانده است.

شاهدمثال این الگو را در موقف اول از سفر سوم اسفار اربعه می‌توان پیگیری نمود؛ آنجا که در دفع اعتراضات سید صدر شیرازی، از تشکیک در مفهوم وجود به تشکیک در حقیقت سنخی وجود پل می‌زند و به تفصیل بیان می‌کند:

«و چون وجودات خاصه [یعنی واقعیات خارجی و حقایق وجودی] در این مفهوم انتزاعی عقلی [یعنی مفهوم وجود] که حکایتی از آن هاست، مشترک می‌باشند، ناگزیر باید همگی در سنخ حقیقت وجود متفق باشند و با این همه ناگزیر از امتیاز بین آن‌ها می‌باشد که یا به واسطه کمال و نقص و بی‌نیازی و نیاز است یا به واسطه تقدم و تاخر [تشکیک تفاضلی] یا اوصافی زاید [تشکیک عرضی]» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ۸۶).

تصویر صحیح این الگو در بیانات جلال الدین آشتیانی موجود است (نک: آشتیانی، ۱۳۷۶، ۲۶)، آنجا که در تفسیر دیدگاه فهلوپون از حکمای فارس، وجود را حقیقت واحد و دارای مراتب متعدد متکثر، مقول به تشکیک می‌دانند و فرد اعلای وجود را که تام و فوق التمام است، واجب تعالی و بقیه مراتب را که مشوب با ماهیات و ظل وجود اصلی حق تعالی می‌باشند، وجودات ممکنه می‌دانند.

اشکالاتی بر این الگو وارد شده است که ملموس‌ترین آن‌ها: یگانه‌انگاری مسلک مشایین با مسلک فهلوپین و غفلت از تفاوت‌های الگوی تشکیک در مفهوم وجود مشایین با الگوی تشکیک در حقیقت سنخی وجود فهلوپین است. مبنی بر اینکه نزد مشایین مفهوم وجود عرضی، مشترک معنوی، دارای معنا و محکی واحد و قابل حمل بر مصادیق کثیر است و نزد فهلوپین حقیقت سنخی وجود، مشترک لفظی، دارای معانی و محکی متفاوت و نیز، مصادیق متفاوت است. اشکالات دیگر این الگو یا مربوط به مقام ارزیابی است که این الگو با سایر مبانی صدرا بی‌ی از جمله غیر هم سنخ بودن واجب با هیولای اولی، وحدت وجود، توحید واجب، اتصال وجودی موجودات و عدم تناهی خداوند منافی و متناقض است.

نارسایی‌های چالش برانگیز دیگری از این الگو در تبیین تشکیک انواع، تشکیک عرضی و... است که در این مقاله محل بحث نیست و در آثار دیگر قابل پیگیری است (نک: حسین لو، ۱۳۹۸، ۲۸-۱۱).

نهایت چیزی که درباره تمایز واجب از ممکنات در این تصویر از تشکیک وجود می توان گفت، این است که بالاترین مرتبه، یعنی شدیدترین وجود که همان واجب الوجود است، به نحو اعلی و اشرف واجد کمالات مراتب مادون خود است.

### ۲-۱-۲. الگوی دوم: وحدت شخصی (تشکیک در مظاهر وجود)

الگوی وحدت شخصی به عنوان نظر نهایی و بلکه رویکرد عرفانی ملاصدرا در توجیه وحدت و کثرت و نیز، مساله تشکیک شناخته شده است. در این الگو، وجود بعنوان یک حقیقت واحد شخصی، جهت وحدت و مابه الاشتراک را تأمین می کند، اما برای تأمین و تبیین جهت کثرت وجود، فرض مراتب وجودی برای شخص واحد وجود مستلزم تناقض است؛ بلکه به تعبیر مصباح یزدی (نک: مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۳۱۰) الگوی وحدت شخصی تشکیکی با وجود دلالت ظاهر بعضی از سخنان ملاصدرا و پیروانش بر آن، بعید و غیر قابل قبول است. بنابراین، این الگوی دوم را می توان الگوی وحدت شخصی سریانی در نظر گرفت. در این نسخه از تشکیک، وجود یک شخص واحد ساری در مراتب شدت و ضعف است که در تمامی کثرات ساری است نه بعنوان جزء یا بخش آن؛ کثرت نیز در واحد مندمج است. به عبارت دیگر در این نسخه، مابه الاشتراک شخص واحد وجود حق تعالی است که در مظاهر مختلف جاری و ساری است، پس کثرت در اینجا، کثرت مظاهر و جلوه هاست. شاهد مثال تمایل صدرا به این الگو آنجاست که در انتهای بحث علت و معلول جلد دوم الاسفار، قائل به وحدت شخصی شده و وجود و موجود را منحصر در یک حقیقت واحد شخصی دانسته است:

«موجود و وجود منحصر در حقیقت واحد شخصی است که او را در موجودیت حقیقی، شریکی نیست و در عالم عین، وی را دومی نیست و در عالم وجود، جز او دیگری نیست و هرچه که در عالم وجود مشاهده می شود، غیر از واجب معبود است، بلکه ظهورات ذات او و تجلیات صفات اویند که در حقیقت، عین ذات اویند...» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲، ۲۹۲).

وی همچنین در مقام هشدار از فرض تمایز و کثرت در وجود، کثرت و تمایز را به مظاهر وجود اختصاص داده و می نویسد:

«غیر از واحد حقیقی، وجودی [یعنی رابط نه رابطی] نه استقلالی و نه تعلقی نمی باشد، بلکه وجودات آن ها جز دگرگونی و نمایشات و تطورات حق تعالی به اسرار و نمایشات خویش و تشأن یافتنش به شئون ذاتی خودش نمی باشد» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲، ۳۰۵).

یا به عبارتی، کثرات را تعینات واجب می داند:

«وجودات اگرچه تکثر و تمایز دارند، ولی از مراتب تعینات حق اول اند و ظهورات نور و شئون ذات اویند، نه اینکه آن‌ها اموری مستقل و ذات‌هایی منفصل و جدایند...» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۷۱).

نیز، در جای دیگری می‌نویسد:

«هر وجودی که غیر وجود واحد حق است، لمعه‌ای از لمعات ذات اوست، و وجهی از وجوه او، و همه موجودات را اصلی واحد است، که محقق حقایق و مشیّء اشیاء و مذوّت ذوات است. پس او حقیقت باشد، و باقی شئون او و او نور باشد، و باقی سطوح او و او اصل باشد، و ما عدای او ظهورات و تجلیات او... هرچه موسوم بوجود است، نباشد مگر شأنی از شئون واحد قیوم، و لمعه‌ای از لمعات نور الانوار» (شیرازی، ۱۳۶۳، ۵۴-۵۳).

صدرا همچنین در جای جای آثار خویش، کیفیت شمول وجود بر کثرات را به طریق انبساط و سریان تشریح نموده است. از آن جمله مطالب عالی اشراق سوم از شاهد اول شواهد الربوبیه است:

«شمول وجود بر اشیاء... به طریق انبساط و سریان و ظهور در هیاکل ماهیات [یعنی کلیه موجودات] است؛ سربانی مجهول التصور و غیر قابل ادراک. پس وجود با اینکه امری است شخصی و متعین و خود متشخص و متعین بالذات و سبب تشخیص و تعین ماهیاتی است کلی که به وسیله وجود موجود می‌گردند، مع ذلک از جمله چیزهایی است که می‌توان درباره آن گفت که در عین حال دارای حقایقی است مختلف به حسب اختلاف ماهیاتی که با وی متحدند. به طوری که هریک از آن ماهیات به مرتبه‌ای از مراتب وجود و درجه‌ای از درجات وجود متحد شده‌اند، به غیر از وجود واجب الوجود که عاری از ماهیت است» (شیرازی، ۱۳۶۰، ۷؛ و نیز نک: شیرازی، ۱۳۶۳، ۸)

نکته قابل توجه در اینجا، این است که الگوی وحدت شخصی سربانی به دلیل اینکه از یک سو ثنویت واجب و ممکن را نفی می‌کند و تنها قائل به یک فرد واحد حقیقی است و از دیگر سو با قید سریان و تبیین کثرت به صورت شمول و سریان، کثرات موجود را با ظهورات و تجلیات وجود واحد شخصی توجیه می‌کند، بلکه باقی افراد کثیر و مصادیق متعدد را اظلال و ظهورات و تجلیات آن می‌داند، نسبت به الگوی تشکیک اخصی رقیق تر بوده و بلکه تشکیک خاص الخاصی به شمار می‌رود.

## ۲-۲. دیدگاه ها

شارحان و پیروان صدر المتألهین در مورد نسبت دو الگوی تشکیک وجود، یعنی وحدت سنخی و وحدت شخصی وجود، دو دیدگاه عمده<sup>۱</sup> دارند. این دیدگاه ها در پاسخ این سوال است که الگوی مدنظر صدرا در مسئله تشکیک کدام است؟ یا به صورت کلی تر، آیا وحدت سنخی وجود و وحدت شخصی وجود دو نظریه هستند یا یک نظریه؟ و در صورتی که دو نظریه قلمداد شوند، کدام یک نظر نهایی صدرا است؟

### ۲-۲-۱. یگانگی دو الگو

دیدگاه اول قول به یگانگی دو الگو است. از جمله قائلان به این دیدگاه: ملاعلی نوری (نک: نوری، ۱۹۸۱، ج ۱، ۴۵؛ نوری، ۱۹۸۱، ج ۲، ۴۱)، ملاجعفر لاهیجی (نک: لاهیجی، ۱۳۸۶، ۱۴۵-۱۴۱ و ۳۷۹-۳۷۸ و ۴۵۱)، ملاعبدالله زنوزی (نک: زنوزی، ۱۳۸۱، ۸۸-۸۴) و جلال الدین همایی (نک: صدوقی سها، ۱۳۷۴، ۸۹؛ امین، ۱۳۷۵، ۹۱) هستند. از نظر ایشان، نظریه وحدت شخصی وجود تأویلی از وحدت تشکیکی وجود بوده، بلکه تشکیک در مراتب، مساوی و مساوق با تشکیک در مظاهر می باشد. اخیراً نیز، تلاش هایی در جهت سازگاری نظریه وحدت تشکیکی و وحدت شخصی وجود به انجام رسیده است (نک: حسین زاده و کمالی زاده، ۱۳۹۷، ۴۴-۳۵).

### ۲-۲-۲. تباین دو الگو

دیدگاه دیگر قول به تفاوت، بلکه تباین دو نظریه است. قائلان به تباین دو الگو، خود سه گروهند:

۱. گروهی چون ملاهادی سبزواری (نک: سبزواری، ۱۹۸۱، ج ۱، ۷۲-۷۱؛ سبزواری، ۱۹۸۱، ج ۲، ۳۰۰ و ۳۰۹؛ سبزواری، ۱۹۸۱، ج ۶، ۷۷ و ۱۱۰) و آقاعلی مدرس تهرانی (نک: زنوزی، ۱۳۸۱، ۱. البته برخی دیدگاه های عمده درباره تشکیک و رابطه آن با وحدت شخصی را به صورت دیگری طرح و تقریر نموده اند که عبارتند از: یگانگی، تباین به صورتی که تشکیک نظر نهایی صدرا باشد و تباین به صورتی که وحدت شخصی نظر نهایی صدرا قلمداد شود (نک: جوارشکیان، ۱۳۸۳، ۴۲-۳۱). برخی نیز، پژوهش هایی در بیان تقابل قول به تشکیک در مراتب و قول به تشکیک در مظاهر به انجام رسانده اند که در توجیه و تبیین مدعای خویش موفق نبوده اند (برای نمونه نک: صدوقی سها، ۱۳۷۴، ۹۲-۸۹) و دیگرانی در نقد آن پژوهش، با استناد و تقریر اقوال و فحوای کلام بزرگان اثبات نموده اند که بین تشکیک در مراتب و تشکیک در مظاهر اختلافی نیست و بیانات حکماء و عرفاء در این مقوله بر اساس فلسفه صدرائی قابل جمع است (نک: امین، ۱۳۷۵، ۹۷-۸۵).

پاورقی ۸۷؛ زنوزی، ۱۳۷۸، ج ۳، ۴۶)، وحدت شخصی وجود را نمی پذیرند، بلکه وحدت تشکیکی وجود را توجیه صحیح و نهایی صدرا قلمداد کرده و آن را تنها تبیین فلسفی و معقول از نظریه وحدت وجود عرفا می دانند. نیز، چهره های شاخص دیگری چون شهید مطهری (نک: مطهری، ۱۳۷۰، ج ۵، ۲۱۹؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۶، ۵۱۳؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۹، ۱۸۵-۱۸۴ و ۴۳۷)، حائری یزدی (نک: حائری یزدی، ۱۳۶۱، ۵۰-۴۹ و ۱۰۰ و ۱۳۰ و ۱۷۵-۱۷۴) و مصباح یزدی (نک: مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۳۱۰)، وحدت شخصی وجود را به لحاظ فلسفی ناممکن دانسته و تنها تأویل صحیح آن را وحدت تشکیکی وجود معرفی می کنند.

۲. گروه دیگر چون آقامحمدرضا قمشه ای و پیروانش، اگرچه به تفاوت دو نظریه اذعان دارند، اما وحدت شخصی وجود را مرتبه ای بالاتر و نظر نهایی ملاصدرا می دانند، بلکه وحدت تشکیکی را جنبه تعلیمی و پلی برای رسیدن به وحدت شخصی دانسته اند (نک: قمشه ای، ۱۳۷۸، ۴۰-۳۶).

۳. گروه سوم، مایل به جمع این دو نظریه اند. از جمله طرفداران این دیدگاه، جلال الدین آشتیانی (نک: آشتیانی، ۱۳۷۶، ۲۳۵ و ۲۴۵؛ آشتیانی، ۱۳۷۸، ۵۱) و جوادی آملی اند (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۹ و ۲۲۴ و ۳۶۴-۳۶۳ و ۳۶۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ۳۵۱ و ۵۴۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۴۰۶-۴۰۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۵، ۵۶۰-۵۶۱ و ۵۶۴ و ۵۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۶، ۱۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۹، ۴۲۶ و ۴۵۳-۴۵۲ و ۴۷۹ و ۴۸۹-۴۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ۳۹).

دیگرانی چون علامه طباطبایی نیز، اگرچه در برخی مواضع طرفدار تشکیکنند (نک: طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۲۵۹ و ۴۱۹) ولی چون در اغلب مواضع دیگر این دو الگو را قابل جمع، بلکه وحدت شخصی را ادق از وحدت سنخی می دانند (نک: طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۶، ۲۶۴)، در ذیل قائلان به تباین می گنجند. توضیح اینکه از نظر علامه الگوی وحدت سنخی تشکیک در وجود، خودمتناقض است و به شرط لا بودن واجب، منافعی با صرافت وی است. پس معتقد است برهان حکما بر تشکیک وجود، همان مسلک عرفا را نتیجه می دهد، بلکه برهانی بر وحدت وجود است. وی در تذیلات و محاکماتی که بر مکاتبات احمد کربلایی و غروی اصفهانی دارد، در مورد نحوه گذار از تشکیک در مراتب به تشکیک در مظاهر می نویسد:

«فرض اینکه اعلی مراتب، مرتبه ای است از مراتب، با فرض عینیت او با اصل حقیقت نمی سازد، مگر به همان معنی از رجوع که در بقیه مراتب هم موجود و مفروض است؛... کفی فی ذلک اینکه: اصل حقیقت را به صرف و محدود قسمت می کنیم؛ زیرا که به مقتضای این قسمت، صرافت و محدودیت دو تا تقییدند که اصل حقیقت با آن ها متعین و



مقید می شود و لازمه این آن است که اصل حقیقت اطلاقی داشته باشد که بالاتر از صرافت و محدودیت و آجل از اطلاق و تقیید متقابلین می باشد؛ زیرا که مرجع هر دو تا از صرافت و محدودیت به تحدید، و مأل هر دو قسم از اطلاق و تقیید، همان تقیید است و قبل از هر تحدید، صرفی است و مقدم تر بر هر تقیید، اطلاقی ثابت است بالضروره. و اگر چنانکه بگوییم: اعلی مراتب چون صرف است، پس حقیقت اصل الحقیقه است نه مرتبه. آن وقت مرتبه پایین تر از او اعلی مراتب می شود و چون مافوق خود مرتبه ندارد، بی حد و صرف می شود. فیهود الکلام علیه؛ و در نتیجه همه مراتب از میان می رود» (طباطبایی، ۱۴۲۴، ۱۷۰).

علامه در ادامه همین تذییل، نظریه وحدت در وجود را رافع تشکیک و ادق از آن می داند:

«مسئله وحدت شخصی وجود نسبت به مسئله وحدت تشکیکی وجود، نظری است ادق در مقابل نظر دقیق و حقیقتی است عمیق تر از حقیقتی که تشکیک وجود به آن در مقابل اصالت ماهیت حکم می کرد. پس احکام و حقایقی که از روی مسلک تشکیک وجود با براهین اثبات شده، در جای خودشان ثابت و در مرتبه خودشان محققند؛ بالنظر الی نظر الأدق موضوعشان مرتفع است؛ نه اینکه با حفظ بقای موضوع، حکمی مناقض و مبطل حکم اولی بر آن ها دارد و علی بعضی الاصطلاحات عرفانی نظر ثانی وارد است به نظر اول، نه معارض» (طباطبایی، ۱۴۲۴، ۱۷۲).

البته اشکالاتی بر استدلال علامه وارد است و صحت دیدگاه وی در بحث تشکیک و وحدت شخصی قابل نقد و بررسی است، منتها این نوشتار گنجایش بحث از آن را ندارد و در آثار دیگری قابل پیگیری است (نک: توکلی و طاهری، ۱۳۹۲، ۱۸-۱۲).

### ۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کیفی، بلکه بر پایه نظریه پردازی زمینه بنیان که اصطلاحاً گرندد تئوری نامیده می شود و یکی از استراتژی های اصلی پژوهش های کیفی به شمار می رود، نگارش یافته است. سابقه نظریه پردازی زمینه بنیان به سال ۱۹۶۷ و انتشار اثر " The Discovery of Grounded Theory" از گلیزر و استراوس برمی گردد (Glaser & Strauss, 1967, 1-262). در این روش پس از تدوین پرسش های پژوهش، داده ها با رویکرد استقرایی گردآوری می شوند و پژوهشگر ضمن استفاده از اسناد، پیشینه ها و پیمایش، یادداشت های خود و دیگران، نیز مصاحبه با افرادی که بیش ترین اطلاع و تجربه را در خصوص موضوع تحقیق و بیش ترین کمک را در فهم موضوع دارند، داده ها را جمع آوری می نماید.

در مرحله دیگر به واکاوی و کدگذاری داده‌ها در سه مرحله می‌پردازد که عبارتند از: کدگذاری باز (= مفهوم پردازی و مقوله بندی داده‌ها)، کدگذاری محوری (= برقراری پیوند و ارتباط بین مقوله‌ها در پنج مورد عوامل زمینه‌ای، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (= انتخاب مقوله هسته‌ای و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها)، پس از آن، پژوهشگر در مرحله بعدی با توجه به جدول داده‌ها و تحلیل و تفسیر آن، به مرحله‌ای از شناخت موضوع مورد مطالعه می‌رسد که نظریه‌ای را تکوین و مدل نهایی آن را پرداخت نماید (Strauss & Corbin, 1998: 1-295).

بدین ترتیب، در این پژوهش برای رسیدن به پاسخ پرسش از سازگارترین الگو از تشکیک وجود صدراپی با مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا، به گردآوری داده‌ها از اسناد و منابع کتابخانه‌ای پرداخته شد و با نمونه‌گیری هدفمند، یعنی انتخاب افرادی که تخصص و تجربه مرتبط با موضوع تحقیق را داشتند و مصاحبه نیمه ساختاریافته از طریق فضای مجازی با ایشان، پژوهشگر مشارکت‌کنندگان را از نوع و ماهیت تحقیق، بلکه موضوع، روش، هدف و منظور از پژوهش به صورت کامل آگاه کرد. به صورتی که داده‌های تحقیق با دوازده مصاحبه و ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق به اشباع رسید. سپس داده‌ها در سه بخش محوری، یعنی عوامل زمینه‌ای، عوامل علی و مداخله‌گر و پیامدها، بلکه لوازم و نتایج معرفتی دو الگو کدگذاری شد. سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مقایسه‌ای مداوم انجام شد، چون در آغاز داده‌ها با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای برای یافتن تفاوت‌ها و تشابهات با یکدیگر مقایسه شدند. پس از آن با مرور و بازخوانی مصاحبه‌ها، داده‌ها تحت مقولات محوری پیاده‌سازی شد تا ادراکی کلی از مفاهیم موجود در آن‌ها مشخص و کدگذاری شود. سپس کدها چندبار دیگر با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مشترک و هم‌پوشان تلفیق شدند تا سرانجام، مقولات و فرایندهای اساسی مشخص شد و عناوین مناسب به آن‌ها اختصاص داده شد. سپس ارتباط مفاهیم و مقولات با یکدیگر بررسی و در قالب یک نظریه اساسی که تبیین‌کننده پدیده مورد مطالعه بود، ارائه شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با توجه به موضوع بحث و بهره‌گیری از روش‌گردن تئوری، عوامل اصلی و تأثیرگذار در دو الگوی تشکیک در مراتب و تشکیک در مظاهر، در سه محور اصلی عوامل زمینه‌ای، عوامل علی و مداخله‌گر و پیامدها، بلکه لوازم و نتایج معرفتی کدگذاری، بلکه شناسایی و معرفی شدند.

از آنجایی که راهبردها گویای رفتارها و کنش‌ها از واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم حاصل می‌شوند، در بحث‌های فلسفی جایی ندارند. نیز، عوامل مداخله‌گر، چون مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط را تشکیل می‌دهند، بلکه شرایط ساختاری هستند که مداخله‌دیگر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و صبغه‌علی و عمومی دارند با عوامل علی در یک دسته گنجانیده شد. پیامدها نیز، که گویای آثار و بازتاب‌ها، بلکه لوازم و نتایج هستند، به تناسب سوال اصلی پژوهش که تبیین سازگارترین الگوی تشکیک وجود با مبانی معرفتی صدرای بود، به همان لوازم و نتایج معرفتی از الگوها محدود شد.

بدین ترتیب محورهای اصلی کدگذاری در این پژوهش عبارتند از:

#### ۱. عوامل زمینه‌ای:

بستر حاکم یا عوامل زمینه‌ای گواه بر شرایط خاصی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذرانند، بلکه خاستگاه و تم اصلی بحثند که تمیز آن‌ها از شرایط علی نیز، دشوار است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. در مقابل شرایط علی مجموعه‌ای از متغیرهای فعال هستند. گاه متغیرهای مرتبط را ذیل شرایط علی و متغیرهای کمتر مرتبط ذیل عوامل زمینه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند.

در اینجا عوامل زمینه‌ای الگوی تشکیک در مراتب، مقولات محوری مبحث الفاظ(نک: ارسطو، ۱۹۸۰، ج ۲، ۵۱۸-۵۱۰)، مبحث مفاهیم(نک: شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۹۹) و تفاوت نحوه صدق مفهوم کلی بر مصادیق(شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۹۹) می‌باشند که ذیل مقوله اصلی خاستگاه منطقی قرار دارند. نیز، مقولات محوری تقدم و تأخر(نک: ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ۱۶۳؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ۴۸۴-۴۸۵)، نحوه تقابل وحدت و کثرت(نک: ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ۱۲۶-۱۳۲؛ رازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۹۶-۹۸)، پاسخ به اشکال متکلمین در تقسیم وجود به واجب و ممکن و قسیم و همسنگ شدن آن‌ها با واجب(نک: علوی، ۱۳۸۳، ۱۲۱-۱۲۰)، جواب ابن رشد به اشکال غزالی در مشارکت نداشتن واجب در جنس(نک: ابن رشد، ۱۹۹۳، ۲۱۱) و توجیه تفاضل در کمیات و کیفیات متفاضل(نک: عبودیت، ۱۳۸۷، ۱۹۱-۱۹۲)، عوامل زمینه‌ای دیگری هستند که ذیل مقوله اصلی خاستگاه فلسفی می‌باشند.

عوامل زمینه‌ای الگوی تشکیک در مظاهر نیز، ذیل مقوله اصلی خاستگاه عرفانی، بلکه مقوله محوری بحث حقیقت وجود در عرفان و بحث بحث وحدت و کثرت در عرفان است(نک: مطهری، ۱۳۷۰، ج ۶، ۵۲۹؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۹، ۱۷۳).

جدول شماره ۱: عوامل زمینه‌ای تاثیرگذار بر الگوی تشکیک در مراتب

مقوله اصلی	مقوله محوری	منبع	ردیف
خاستگاه منطقی	مبحث الفاظ در منطق	p-1p12	۱
	مبحث مفاهیم در منطق	p-1p12	
	تفاوت نحوه صدق مفهوم کلی بر مصادیق	p-1p12	۳
خاستگاه فلسفی	تقدم و تاخر در فلسفه	p-1p12	
	نحوه تقابل وحدت و کثرت در فلسفه	p-1p12	۵
	پاسخ به اشکال متکلمین در تقسیم وجود به واجب و ممکن و قسیم شدن آن‌ها با واجب	p-1p12	
	جواب ابن رشد به اشکال غزالی در مشارکت نداشتن واجب در جنس	p-1p12	
	توجیه تفاضل در کمیات متفاضل	p-1p12	۸
	توجیه تفاضل در کیفیات متفاضل	p-1p12	۹

جدول شماره ۲: عوامل زمینه ای تاثیرگذار بر الگوی تشکیک در مظاهر

مقوله اصلی	مقوله محوری	منبع	ردیف
خاستگاه عرفانی	بحث حقیقت وجود در عرفان	p-1 p12	۱
	بحث وحدت و کثرت در عرفان	p-1 p12	

## ۲. عوامل علی و مداخله گر:

عوامل علی زمینه پیدایش طبقه محوری هستند. در واقع، مجموعه ای از ویژگی های طبقه ها است که جستار اصلی را تحت تأثیر قرار می دهند. عوامل مداخله گر نیز، مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط را تشکیل می دهند که مداخله دیگر عوامل را تسهیل یا محدود می کنند و صبغه علی و عمومی دارند. عوامل علی و مداخله گر دو الگو به قرار زیر است.

جدول شماره ۳: عوامل علی و مداخله گر تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مراتب

مقوله اصلی	مقوله محوری	منبع	ردیف
مفهوم وجود	مشترک معنوی بودن مفهوم وجود	p-1 p12	۱
	مشکک بودن مفهوم وجود	p-1 p12	
حقیقت وجود	اصالت وجود	p-1 p12	۳
	بسیط بودن وجود	p-1 p12	
	وحدت حقیقی نوعی/سنخی وجود	p-1 p12	۵
	کثرت حقیقی عددی وجود	p-1 p12	
	تقسیم وجود به واجب و ممکن	p-1 p12	
	تقسیم وجود به مستقل و رابط	p-1 p12	۸
	مراتب وجود از واجب الوجود تا هیولی اولی	p-1 p12	۹
معیار تشکیک	وحدت مابه الاشتراک و مابه الامتیاز/ وحدت مافیة الاشتراک و ما فیہ الامتیاز	p-1 p12	۱۰
	ظهور وحدت در کثرت	p-1 p12	۱۱
	بازگشت کثرت به وحدت	p-1 p12	۱۲
انحای تفاضل مراتب وجود	کمال و نقص	p-1 p12	۱۳
	زیادت و نقصان	p-1 p12	۱۴
	شدت و ضعف	p-1 p12	۱۵
	تقدم و تاخر/ اولیت و عدم اولیت	p-1 p12	۱۶
	فقر و غنا/ بی نیازی و نیاز	p-1 p12	۱۷
	اولویت و عدم اولویت	p-1 p12	۱۸

منبع: نویسندگان

جدول شماره ۴: عوامل علی و مداخله گر تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مظاهر

ردیف	منبع	مقوله محوری	مقوله اصلی
۱	p-1 p12	اصالت وجود	حقیقت وجود
	p-1 p12	بسیط بودن وجود	
۳	p-1 p12	وحدت حقیقی شخصی وجود	
	p-1 p12	کثرت مظاهر / مجالی / اظلال / تعینات / تطورات / ظهورات / لمعات / شئونات / تنزلات وجود	
۵	p-1 p12	وحدت مابه الاشتراک و مابه الامتیاز / وحدت مافیة الاشتراک و ما فیہ الامتیاز	معیار تشکیک
	p-1 p12	ظهور و سریان و انبساط وحدت در کثرت	
	p-1 p12	اندماج کثرت در وحدت	
۸	p-1 p12	کمال و نقص	انحای تفاضل مراتب ظهور
۹	p-1 p12	زیادت و نقصان	
۱۰	p-1 p12	شدت و ضعف	
۱۱	p-1 p12	تقدم و تاخر / اولیت و عدم اولیت	
۱۲	p-1 p12	فقر و غنا / بی نیازی و نیاز	
۱۳	p-1 p12	اولویت و عدم اولویت	

منبع: نویسندگان

### ۳. پیامدها (لوازم و نتایج معرفتی):

آثار و بازتاب‌ها، بلکه لوازم و نتایج معرفتی هر دو الگوی تشکیک در مراتب و تشکیک در مظاهر یکسان و مشترکند. چنانکه به موجب تشکیک، خواه وجود یک حقیقت واحد بسیط، دارای مراتب و منازل مختلفی در نظر گرفته شود، یعنی وحدت سنخی؛ خواه وجود یک حقیقت واحد شخصی دارای مظاهر، تعینات و شئون مختلف در نظر گرفته شود، یعنی وحدت شخصی؛ مسانخت، بلکه اتحاد و یگانه‌انگاری وجود و معرفت در حکمت متعالیه، سبب می‌گردد که معرفت نیز، همچون وجود مشکک و ذو مراتب باشد. بنابر این، مقوله محوری تشکیک پذیری معرفت ذیل مقوله اصلی هویت و ماهیت معرفت به عنوان لازمه هر دو الگو یکسان است. نیز تبیین جهت کثرت در تشکیک وجود، چه مربوط به مراتب باشد، یعنی وحدت سنخی؛ چه مربوط به مظاهر و مجالی باشد، یعنی وحدت شخصی براساس مسانخت و یگانه‌انگاری وجود و معرفت به ارکان معرفت نیز راه می‌یابد و منجر به تبیین مراتب تشکیکی حسی، خیالی، عقلی و شهودی برای معرفت در تناسب و تناظر با مراتب مدرک و مدرک می‌شود.

تشکیک وجود مطابق با هر الگوی مفروضی، بر پایه مسانخت وجود و معرفت (= مساوت وجود و معرفت/ وجودانگاری حقیقت معرفتی) در اقسام علم و انواع معارف نیز، قابل ترسیم است. چنانکه علم حضوری از لحاظ نحوه وجود معلوم برای عالم، نسبت به علم حصولی شدیدتر است. همه اقسام علم‌های حضوری نیز، از نظر شدت و ضعف یکسان نیستند، بلکه تشکیک‌پذیر و ذومراتبند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۱۴۴-۱۴۲) که این اختلاف مراتب علم حضوری گاهی معلول اختلاف مرتبه وجودی مدرک در سیر تکاملی نفس است که هر قدر وجودش، ضعیف‌تر و توجه به بدن و امور مادی اش شدیدتر باشد، علم حضوری اش به خویش و آفریدگارش ضعیف‌تر است و هر قدر مرتبه وجودیش کامل‌تر و توجهش به بدن و امور مادی کمتر و توجهات قلبی اش قوی‌تر باشد، علم حضوری اش به خود و آفریدگارش کامل‌تر و آگاهانه‌تر است. گاهی نیز، اختلاف مراتب علم حضوری، معلول توجه مدرک است، چنانکه در علم حضوری به حالات روانی، ضعف ادراک، معلول ضعف توجه مدرک و شدت ادراک، معلول شدت توجه مدرک است. برخی (نک: حسین زاده، ۱۳۸۵، ۱۲۲) تفاوت مراتب هستی مدرک را نیز، موجب شدت و ضعف در علم حضوری دانسته‌اند.

در هر یک از اقسام علم حصولی: تصدیق و تصور، اقسام تصور: جزئی و کلی، بسیط و مرکب، اقسام جزئی: حسی و خیالی و وهمی، اقسام کلی: معقولات اولی و ثانوی منطقی و فلسفی و



تیسیم سازگارترین الگو از تشکیک وجود صدرایی با مبانی معرفتی ملاصدرا ۲۰۱

نیز، تقسیمات دیگر علم از قبیل فعلی و انفعالی، اجمالی و تفصیلی، بسیط و مرکب، حقیقی و انتزاعی نیز، مراتب تشکیکی و اشتدادی مطرح است.

زیرا از یک سو، اگر کلیت و جزئیت را وصف علم و ادراک بدانیم (نک: طباطبایی، بی تا، ۲۴۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۱۴۸)، از آنجایی که مبدأ مفاهیم جزئی، ادراک حسی، خیالی و وهمی است و مبدأ مفاهیم کلی، ادراک عقلی است، پس، تمایز تصورات کلی از تصورات جزئی به تمایز ادراک حسی از ادراک عقلی برمی گردد و چون در سیر مراتب ادراکی تشکیک هست، این تشکیک به متعلق ادراک، یعنی مفاهیم هم تسری می یابد.

از سوی دیگر، تتبع در اقسام تصورات جزئی، یعنی حسی، خیالی و وهمی، نیز تصورات کلی و کیفیت ادراک کلی، از دو نظریه اساسی در فلسفه اسلامی، یعنی نظریه تجرید یا تقشیر در مکاتب پیش از ملاصدرا، به خصوص مکتب مشائی و نظریه تعالی در مکتب صدرایی پرده برمی دارد. مدعا این است که سیر مراحل ادراکی در هر دو نظریه، حاکی از نوعی تشکیک است. چنانکه براساس نظریه تجرید در آثار ابن سینا و پیروانش (نک: ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ۱۴۳؛ ابن سینا، ۱۴۰۰، ۴۷۴)، صورت محسوس به وسیله تجرید و حذف عوارض مادی مرحله به مرحله مراتب خیالی و عقلی را می پیماید و مطابق با نظریه تعالی در آثار ملاصدرا و پیروانش (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ۲۹۰-۲۸۷؛ شیرازی، ۱۳۶۰، ۳۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۱۵۸-۱۵۵) نفس اگرچه در ادراکات حسی و خیالی، مبدع و آفریننده است، اما با حرکت جوهری و استکمالی خویش به مراتب بالای ادراک، یعنی ادراک عقلی دست می یازد.

در بحث تقسیم مفاهیم به بسیط و مرکب نیز، مکانیسم شناخت در مورد مفاهیم بسیط ماهوی یا انتزاعی، درک مستقیم مصداق آن مفهوم کلی از راه حس یا علم حضوری و انتزاع مفهوم کلی از آن می باشد اما درک مفاهیم مرکب ماهوی، از راه تجزیه به اجزای خارجی ماده و صورت و بر اساس تئوری جنس و فصل در تعریف می باشد. اما درک مفاهیم مرکب انتزاعی از راه تجزیه به اجزای تحلیلیه و واسطه قرار دادن مفاهیم بسیط و بدیهی انتزاعی محقق می شود (نک: مصباح یزدی و فیاضی، ۱۳۷۸، ۱۵) که این تحلیل خود نوعی تشکیک را در مکانیسم شناخت مفاهیم نشان می دهد، چرا که در مراحل ابتدایی و درک مفاهیم بسیط، شناخت مستقیم و بی واسطه است و در مراحل بعدی و درک مفاهیم مرکب و انتزاعی، شناخت با واسطه و از طریق معقولات سابق است، یعنی شناخت مراحل لاحق منوط به شناخت مراحل سابق است؛ اما تبیین مراتب تشکیکی از لحاظ وجودی در مفاهیم بسیط و مرکب، با توجه به تسری تشکیک از وجود به تشکیک در معرفت در آثار ملاصدرا، از لوازم نتایج تشکیک در معرفت و جزو دستاوردهای حکمت صدرایی است.

تقسیم علم به بدیهی و نظری (نک: شیرازی، ۱۳۷۸، ۲۳-۲۲) نیز، فارغ از ارزش معرفت‌شناختی آن در بحث مکانیسم شناخت و ایجاد زمینه‌ای برای مبنای فیلسوفان اسلامی در بحث توجیه- چون حصول شناخت برای مفاهیم و گزاره‌های بدیهی، ابتدایی و بی‌واسطه است، یعنی منوط به چیز دیگری نیست، اما معرفت مفاهیم، قضایا و گزاره‌های نظری، به بدیهی ارجاع می‌شود؛ لذا برای شناخت آن‌ها به بدیهیات نیاز است و با واسطه آن‌هاست- حاکی از نوعی تشکیک و رتبه‌بندی در انواع مفاهیم و گزاره‌ها است.

دیگر اینکه پذیرش قول به تشکیک در وجود و معرفت، منجر به تسری تشکیک در مدرک به عنوان امری وجودی و تشکیک در اقسام علوم فعلی خدا و انسان است، نیز تشکیک در اقسام علوم انفعالی انسان بر مبنای تشکیک در مراتب حواس به عنوان ابزار دست‌یابی به معرفت می‌باشد.

پیامد معرفتی دیگر تشکیک، سربان آن در تفکیک علم اجمالی از تفصیلی و به تعبیر بهتر، علم اجمالی در عین کشف تفصیلی، یعنی قاعده «بسیط الحقیقه» است که تکیه‌گاه ملاصدرا در تبیین نظریه علم تفصیلی واجب به اشیاء در مرتبه ذات است و یکی از مبانی مهم این قاعده تشکیک در وجود است، چون بنابر «اصالت وجود» و «تشکیک در مراتب وجود»، هر چه درجات و مراتب وجود، عالی‌تر و به حق تعالی نزدیک‌تر باشند، کمالات و بساطت بیشتری دارند، تا برسد به حق تعالی که همه کمالات را به نحو اعلی و اتم دارد (نک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۳، ۴۵۷؛ شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ۱۱۴) یا اینکه بنابر بساطت و صرف الوجود بودن واجب تعالی، تنها یک وجود در دار هستی است و آن وجود واجب تعالی است و مابقی شئون و تجلیات اویند (نک: شیرازی، ۱۳۸۷، ب، ۲۵).

تقسیمات دیگر علم همچون: تقسیم علم به بسیط و مرکب یا تقسیم آن به حقیقی و انتزاعی نیز، مبتنی و بر اساس قواعد اصلی حکمت متعالیه، یعنی اصالت وجود و تشکیک وجود است، چون علم مرکب مسبوق به علم بسیط است، بلکه ادراک بسیط شرط ادراک مرکب تلقی می‌شود. بدین معنی که اگر ادراک بسیط نباشد، هیچ علم و ادراکی وجود ندارد (نک: داوری اردکانی، ۱۳۸۰، ۳۷-۳۴).

لوازم و نتایج معرفتی هر دو الگوی تشکیک ذیل مقولات اصلی امکان و قلمرو معرفت، منابع معرفت، ابزار، شرایط و مکانیزم معرفت، ارزش و معیار معرفت و مراحل و درجات معرفت نیز یکسان، بلکه مشترک است.

چنانکه مشکک‌انگاری معرفت و پیشفرض قرار دادن آن بر مبنای هر کدام از الگوها، در

بحث ارزش شناخت و مطابقت بعنوان یکی از مسائل مربوط به علم حصولی، با تبیین واقع‌نمایی ادراک و اثبات وحدت ماهوی وجود ذهنی و عینی، مطابقت را از حوزه ماهوی خارج و آن را به تطابق وجودی مراتب ذهن و عین می‌برد. یا در بحث صورت ذهنی و امکان انتزاع مفاهیم متعدد از وجود واحد بسیط، انتزاع مفاهیم بیشتر از وجودات شدیدتر را امکان پذیر می‌سازد. نیز، با تصریح اینکه کثرت ماهیت به وحدت بازنمی‌گردد و ضابطه تشکیک در آن مطرح نیست، نیز، قول به تشکیک منجر به قول عدم امکان انتزاع ماهیت از متن وجود می‌شود، قلمرو معرفت را تعیین می‌نماید.

یا نمونه‌های دیگر اینکه با اثبات مراتب برای علم و ادراک و قرار دادن آن در یک سیر شدید و ضعیف، علم را برای همه موجودات عالم اثبات نموده و تفاوت انسان‌ها را در تفاوت مراتب ادراک تبیین می‌کند، نیز تفاوت ادراک را نه مانند مشائیون ناشی از تقشیر، بلکه ناشی از تفاوت انحای وجود مجرد می‌داند. نمونه دیگر در بحث ارزش شناخت، علم حضوری و تبیین و اثبات ارتباط میان علم، عالم و معلوم است که با استعانت از وجودانگاری معرفت، تشکیکی بودن معرفت و حرکت جوهری، کسب علم برای عالم بصورت ارتباط اتحادی علم، عالم و معلوم و از سنخ ارتباط ماده و صورت تبیین شده که با اشتداد وجودی عالم در طی مراتب وجود، از مرتبه انفعال و دریافت صور ادراکی به مراتب بالاتر بعنوان فاعل و مولد ادراک نائل می‌شود.

نمونه مثال‌های دیگر، پذیرش وجود جمعی و انحای وجود برای ماهیت است که مبنای طرح حمل حقیقه و رقیقه قرار می‌گیرد. نیز، اثبات وجود ذهنی براساس تشکیکی دانستن وجود و حل مسئله وجود ذهنی از طریق تفکیک حمل اولی ذاتی از حمل شایع صناعی است.

بدین ترتیب، بر پایه تشکیک وجود و در پرتو مسانخت وجود و معرفت، بلکه وجودانگاری معرفت، لوازم و نتایج معرفتی هر دو الگوی تشکیک در مراتب و تشکیک در مظاهر یکسان و مشترکند که تفصیل آن به قرار زیر است.

جدول شماره ۵:

پیامدها (لوازم و نتایج معرفتی) الگوی تشکیک در مراتب و الگوی تشکیک در مظاهر

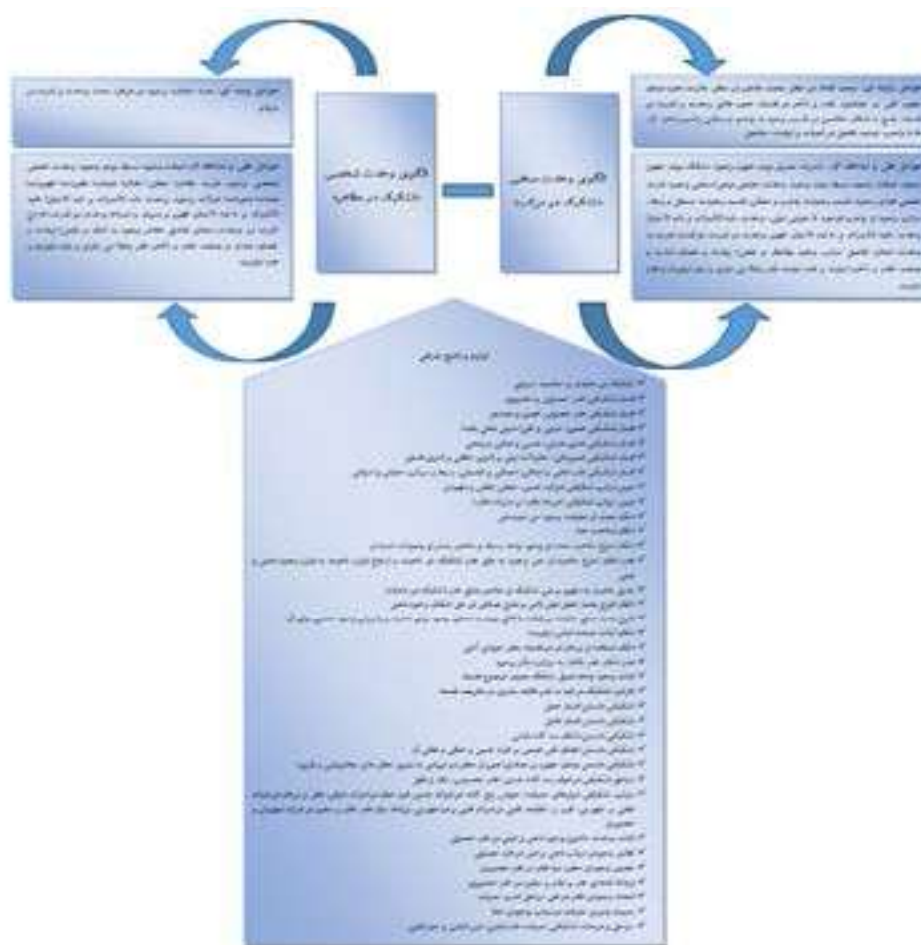
ردیف	منبع	مقوله محوری	مقوله اصلی
۱	p3, p8, P9	تشکیک در حقیقت و حقانیت معرفتی	هویت و ماهیت معرفت
	p3, p8, P9	اقسام تشکیکی علم: حصولی و حضوری	اقسام معرفت
۳	p8, p7, p5, p6, p4, P3	اقسام تشکیکی علم حصولی: تصور و تصدیق	
	p6, p5, P7	اقسام تشکیکی تصور: جزئی و کلی (جزئی تعالی یافته)	
۵	p10, p1, P7	اقسام تشکیکی تصور جزئی: حسی و خیالی و وهمی	
	p12, P9	اقسام تشکیکی تصور کلی: معقولات اولی و ثانوی منطقی و فلسفی	
	p6, P11	اقسام تشکیکی علم: فعلی و انفعالی	
۸	p10, p1, P7	اقسام تشکیکی علم: اجمالی و تفصیلی	
۹	p12, P9	اقسام تشکیکی علم: بسیط و مرکب	
۱۰	p6, P11	اقسام تشکیکی علم: حقیقی و انتزاعی	
۱۱	p3, p8, P9	تبیین مراتب تشکیکی ادراک: حسی، خیالی، عقلی و شهودی	
۱۲	p8, p7, p5, p6, p4, P3	تبیین مراتب تشکیکی مدرک (عالم)	ارکان معرفت
۱۳	p6, p5, P7	تبیین مراتب تشکیکی مدرک (عالم)	
۱۴	p3, p8, P9	امکان بحث از حقیقت وجود من حیث هی	امکان و قلمرو معرفت
۱۵	p8, p7, p5, p6, p4, P3	امکان شناخت خدا	امکان و قلمرو معرفت

ردیف	منبع	مقوله محوری	مقوله اصلی
۱۶	p6, p5, P7	امکان انتزاع مفاهیم متعدد از وجود واحد بسیط و مفاهیم بیشتر از وجودات شدیدتر	
۱۷	p10, p1, P7	عدم امکان انتزاع ماهیت از متن وجود به دلیل عدم تشکیک در ماهیت و ارجاع لوازم ماهیت به لوازم وجود ذهنی و عینی	
۱۸	p12, P9	تبدیل ماهیت به مفهوم و نفی تشکیک از مفاهیم به دلیل عدم تشکیک در ماهیات	
۱۹	p6, P11	امکان طرح بحث حمل اولی ذاتی و شایع صناعی در حل اشکال وجود ذهنی	
۲۰	p6, p5, P7	طرح بحث حمل حقیقت و رقیقت با قائل بودن به انحصار وجود برای ماهیت و پذیرش وجود جمعی برای آن	امکان و قلمرو معرفت
۲۱	p10, p1, P7	امکان اثبات صحت قیاس اولویت	
۲۲	p12, P9	امکان استفاده از برهان لم در فلسفه به نظر جوادی آملی	
۲۳	p6, P11	عدم امکان علم بالکنه به مراتب دیگر وجود	
۲۴	p10, p1, P7	اثبات وجود واحد اصیل مشکک به عنوان موضوع فلسفه	
۲۵	p12, P9	کارکرد تشکیک در قید (به قدر طاقت بشری) در تعاریف فلسفه	
۲۶	p6, P11	تشکیکی دانستن اقسام حمل	
۲۷	p6, p5, P7	تشکیکی دانستن اقسام تقابل	
۲۸	p10, p1, P7	تشکیکی دانستن اشکال سه گانه قیاس	
۲۹	p12, P9	تشکیکی دانستن انطباق کلی طبیعی بر افراد حسی، خیالی و عقلی آن	
۳۰	p6, P11	تشکیکی دانستن صدق مفهوم بر مصادیق (عبور از منطق دو ارزشی به سوی منطق های چند ارزشی و فازی)	

مقوله اصلی	مقوله محوری	منبع	ردیف
منابع معرفت	مراحل تشکیکی در عوالم سه گانه هستی: عالم محسوس، مثال و عقل	p3, p8, P9	۳۱
ابزار، شرایط و مکانیزم معرفت	مراتب تشکیکی در ابزارهای ادراک حسی: حواس پنج گانه	p3, p8, P9	۳۲
	مراتب تشکیکی در ابزارهای ادراک خیالی: قوه خیال	,p6, p4, P3 p8, p7, p5	۳۳
	مراتب تشکیکی در ابزارهای ادراک عقلی و مفهومی: عقل و برهان	p6, p5, P7	۳۴
	مراتب تشکیکی در ابزارهای ادراک قلبی و فرامفهومی: قلب و مکاشفه قلبی	,p6, p4, P3 p8, p7, p5	۳۵
	ارتباط میان علم، عالم و معلوم در ادراک شهودی و حضوری	p6, p5, P7	۳۶
ارزش و معیار معرفت	اثبات وحدت ماهوی وجود ذهنی و عینی در علم حصولی	p3, p8, P9	۳۷
	تطابق وجودی مراتب ذهن و عین در علم حصولی	,p6, p4, P3 p8, p7, p5	۳۸
	حضور وجودی معلوم نزد عالم در علم حضوری	p6, p5, P7	۳۹
	ارتباط اتحادی علم و عالم و معلوم در علم حضوری	,p6, p4, P3 p8, p7, p5	۴۰
	اشتداد وجودی عالم در طی مراحل کسب معرفت	p6, p5, P7	۴۱
مراحل و درجات معرفت	نسبیت پذیری معرفت در مراتب وجودی معنا	p3, p8, P9	۴۲
	مراحل و درجات تشکیکی معرفت: علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین	,p6, p4, P3 p8, p7, p5	۴۳

منبع: نویسندگان

شکل شماره ۱: مدل مفهومی نظریه



## ۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در زمینه الگوها نشان داد که:

۱. عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مراتب با عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مظاهر متفاوتند، چون عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مراتب عبارتند از: مبحث الفاظ در منطق، مبحث مفاهیم در منطق، تفاوت نحوه صدق مفهوم کلی بر مصادیق، تقدم و تاخر، نحوه تقابل وحدت و کثرت و ... که ذیل دو مقوله اصلی خاستگاه منطقی و خاستگاه فلسفی گنجانده می‌شود. اما عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مظاهر، بحث حقیقت وجود یا وحدت و کثرت در عرفان می‌باشد.

۲. عوامل علی و مداخله‌گر تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مراتب، در برخی از موارد با عوامل علی و مداخله‌گر تأثیرگذار بر الگوی تشکیک در مظاهر، متفاوتند که از جمله آن‌ها: مقوله اصلی مفهوم وجود، نیز، مقولات محوری وحدت‌سنخی یا وحدت‌شخصی داشتن حقیقت وجود، کثرت عددی داشتن مراتب یا مظاهر وجود، ثنویت واجب و ممکن، بلکه سایر تقسیمات وجود، نحوه ظهور وحدت در کثرت و بازگشت کثرت به وحدت است.

۳. لوازم و نتایج معرفتی هر دو الگوی تشکیک در مراتب و تشکیک در مظاهر، یکسان و مشترکند؛ زیرا اگرچه منطقی‌ظهور غیر از مرتبه است، اما چه با رویکرد فلسفی، کثرات را بر مبنای مراتب تشکیکی وجود توجیه کنیم و چه با رویکرد عرفانی، قائل به مراتب تشکیکی ظهور شویم، همین پذیرش مراتب تشکیکی بعنوان محملی در فلسفه صدرایی، لوازم و نتایج یکسانی را در حوزه معرفت‌شناسی دارد. بنابراین، در زمینه دیدگاه‌ها:

۴. برخلاف دیدگاه ملاعلی‌نوری، ملاجعفر لاهیجی، ملاعبدالله زنوزی و جلال‌الدین همایی در یگانگی دو الگو، این الگوها به دلیل برخی از نکات اختلافی در عوامل زمینه‌ای، عوامل علی و مداخله‌گر، دو الگوی متفاوتند.

۵. برخلاف دیدگاه ملاحادی سبزواری، آقاعلی مدرس‌تهرانی، شهید مطهری، حائری یزدی و مصباح یزدی که وحدت شخصی وجود را نپذیرفته و به لحاظ فلسفی ناممکن دانسته‌اند،



تیمین سازگارترین الگو از تشکیک وجود صدرایی با مبانی معرفتی ملاصدرا ۲۰۹

اما وحدت تشکیکی وجود را توجیه صحیح و نهایی صدرای قلمداد کرده اند، الگوی وحدت شخصی به دلیل اشتراک با الگوی وحدت سنخی در عوامل علی و مداخله گری همچون مقولات محوری فلسفی اصالت وجود و بسیط بودن وجود، نیز مقولات اصلی معیار تشکیک و انحصار تفاضل در مراتب، به لحاظ فلسفی ناممکن نبوده، بلکه نمی توان آن را کاملاً غیر فلسفی دانست.

۶. براساس دیدگاه آقامحمدرضا قمشه ای و پیروانش در اذعان به تفاوت دو نظریه، نیز برخلاف تصریحات صدرای و قمشه ای به تعلیمی بودن الگوی تشکیک در مراتب برای الگوی وحدت شخصی، بلکه به دلیل اختلاف خاستگاه و زمینه دو الگو، چون خاستگاه تشکیک در مراتب، بحث های الفاظ و مفاهیم در منطق و خاستگاه تشکیک در مظاهر، بحث وجود در عرفان می باشد، نمی توان الگوی وحدت سنخی را ابتدایی و الگوی وحدت شخصی را نظر نهایی و دنباله آن دانست.

۷. براساس دیدگاه جلال الدین آشتیانی، جوادی آملی و علامه طباطبایی که ضمن اذعان به تفاوت و تباین دو الگو، آن ها را قابل جمع می دانند، اگرچه این دو الگو در عوامل زمینه ای، عوامل علی و مداخله گر دارای نکاتی اختلافی می باشند، اما در زمینه پیامدها، به خصوص لوازم و نتایج معرفتی که محل بحث بود، هر دو الگو یکسان و مشترکند؛ بنابراین هر دو الگو با مبانی معرفتی ملاصدرا سازگارند.

## ۶. منابع

- ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد. (۱۹۹۳). **تهافت التهافت**، مقدمه و تحقیق محمد العریبی، چاپ اول بیروت: دارالفکر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۱). **المباحثات، توضیح**، مقدمه و تحقیق محسن بیدارفر، چاپ اول، تهران: بیدار.
- (۱۴۰۴). **الشفاء (الهیات)**، تصحیح سعید زاید، قم: مکتبه آیت الله المرعشی.
- (۱۴۰۰). **رسائل ابن سینا**، قم: بیدار.
- ارسطو. (۱۹۸۰). **منطق ارسطو، تصحیح عبدالرحمن بدوی**، جلد دوم، بیروت: دارالقلم.
- آشتیانی، جلال الدین. (۱۳۷۸). **شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- (۱۳۷۶). **هستی از نظر فلسفه و عرفان**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- امین، سید حسن. (۱۳۷۵). «**جریان تشکیک در مظاهر وجود یا مراتب آن**»، مجله کیهان اندیشه، شماره شصت و ششم.
- توکلی، محمدهادی و طاهری، صدرالدین. (۱۳۹۲). «**بررسی تشکیک در مراتب و مظاهر از دیدگاه علامه طباطبایی**»، مجله علمی- پژوهشی حکمت و فلسفه، سال نهم، شماره دوم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). **رحیق مختوم** (شرح جلد اول و دوم اسفار)، تحقیق حمید پارسانیا، جلد اول و سوم و چهارم و پنجم و ششم و نهم و دهم، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جواریشکیان، عباس. (۱۳۸۳). «**تباین یا یگانگی وحدت تشکیکی و وحدت شخصی وجود در حکمت متعالیه**» مجله علمی- پژوهشی خردنامه صدرا، شماره سی و هشتم.
- حائری یزدی، مهدی. (۱۳۶۱). **هرم هستی: تحلیلی از مبادی هستی شناسی تطبیقی**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حسین زاده، محمد. (۱۳۸۵). «**علم حضوری (ویژگی ها، اقسام و گستره)**»، نشریه معرفت فلسفی، سال ۴، شماره ۱۴.
- حسین زاده، مرتضی و کمالی زاده، طاهره. (۱۳۹۷). «**سازگاری نظریه وحدت تشکیکی و وحدت شخصی وجود**»، مجله علمی- پژوهشی حکمت صدرا، سال هفتم، شماره اول.
- حسین لو، باقر. (۱۳۹۸). «**نارسایی نظریه وحدت تشکیکی وجود**»، مجله علمی- پژوهشی حکمت صدرا، سال هشتم، شماره اول (پیاپی پانزدهم).
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۰). «**آیا میان فلسفه اسلامی و پدیدار شناسی غربی می تواند دیالوگی برقرار شود؟**»، نامه فرهنگ، شماره ۴۲.
- رازی، فخرالدین. (۱۴۱۱). **المباحث المشرقیه فی علم الالهیات و الطبیعیات**، جلد اول، چاپ دوم، قم: بیدار.
- زنوزی، علی بن عبدالله. (۱۳۸۱). **لمعات الهیه**، مقدمه و تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

تیسین ساڑگارترین الگوارنگلیک وجود صدرانی بامانی معرفتی ملاصدرا ۲۱۱

- (۱۳۷۸). **مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقاعلی مدرس طهرانی**، مقدمه، تنظیم، تصحیح و تحقیق محسن کدیور، جلد سوم، تهران: اطلاعات.
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۹۸۱). **حاشیه بر الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، جلد اول و دوم و ششم، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۵ الف). **مجموعه مصنفات شیخ اشراق (التلویحات)**، جلد اول، تصحیح و مقدمه هانری کربن، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- (۱۳۷۵ و). **مجموعه مصنفات شیخ اشراق (اللمحات)**، جلد چهارم، تصحیح و مقدمه هانری کربن و سیدحسین نصر و نجفقلی حبیبی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۷۸). **التنقیح فی المنطق**، تصحیح محمد خامنه ای و غلامرضا یاسی پور، مقدمه احد فرامرز قراملکی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (بی تا). **الحاشیه علی الهیات الشفاء**، قم: انتشارات بیدار.
- (۱۳۶۰). **الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه**، تصحیح و تعلیق سیدجلال الدین آشتیانی، چاپ دوم، مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- (۱۳۶۳). **المشاعر، به اهتمام هانری کربن**، چاپ دوم، تهران: کتابخانه طهوری.
- (۱۳۸۷ ب). **المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه**، مقدمه و تصحیح و تعلیق محمد خامنه ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول.
- (۱۳۹۲). **تعلیقہ ملاصدرا بر حکمه الاشراق** (ضمن شرح حکمه الاشراق قطب الدین شیرازی)، جلد دوم، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۷۵). **مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین (رساله تنقیح در منطق)**، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- (۱۳۷۵). **مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین (رساله شواهد الربوبیه)**، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- (۱۹۸۱). **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، جلد اول و دوم و سوم و چهارم و ششم، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۷۴). «**جریان تشکیک در مظاهر وجود و یا مراتب آن**»، مجله کیهان اندیشه، شماره شصت و چهارم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۴). **تذیبات و محاکمات علامه طباطبایی** (ضمن کتاب توحید علمی و عینی در مکاتیب حکمی و عرفانی)، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی.
- (۱۹۸۱). **حاشیه بر الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، جلد اول و ششم، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (بی تا). **نهایه الحکمه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم، چاپ دوازدهم.

عبودیت، عبدالرسول. (۱۳۹۴). **درآمدی به نظام حکمت صدرایی**، جلد اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

--- (۱۳۸۷). **نظام حکمت صدرایی** (تشکیک در وجود)، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

علوی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۸۳). «**خاستگاه مسأله تشکیک وجود**»، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره سی و نهم. قمشه ای، محمدرضا بن ابوالقاسم. (۱۳۷۸). **مجموعه آثار حکیم صهبایا** به همراه زندگی نامه عارف الهی محمدرضا قمشه ای، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی و خلیل بهرامی قصرچمی، تهران: کانون پژوهش.

لاهیجی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). **شرح المشاعر ملاصدرا**، تصحیح و تعلیق و مقدمه سیدجلال الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب.

مصباح یزدی، محمدتقی و فیاضی، غلامرضا. (۱۳۷۸). «**حقیقت علم- میزگرد**»، نشریه قبسات، دوره چهارم، شماره دوازدهم.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۴). **آموزش فلسفه**، جلد اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی (معاونت فرهنگی).

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). **مجموعه آثار (پاورقی های اصول فلسفه و روش رئالیسم)**، جلد ششم، تهران: حکمت.

--- (۱۳۷۰). **مجموعه آثار (شرح مبسوط منظومه)**، جلد نهم و دهم، تهران: حکمت.

--- (۱۳۷۰). **مجموعه آثار (شرح منظومه)**، جلد پنجم، تهران: حکمت.

نوری، علی. (۱۹۸۱). **حاشیه بر الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، جلد اول و دوم، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Glaser, Barney G.; and Strauss, Anselm L. 1967. *The Discovery of Grounded Theory*. Chicago: Aldine. .

Strauss, Anselm L.; and Corbin, Juliet M. 1998. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications, Inc.